

تدوین الگوی ارزش گذاری دارایی های نامشهود در شرکت های دانش بنیان

محمد کاشانی پور

دانشیار گروه حسابداری پردیس فارابی دانشگاه تهران
kashanipour@ut.ac.ir

محمد رضا عباس زاده

دانشیار گروه حسابداری دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد
abbas33@um.ac.ir

صالح عنبرانی

دانشجوی دکتری حسابداری پردیس فارابی دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول)
sanbarani9@yahoo.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۲

چکیده

با توجه به حرکت اقتصاد کشور به سمت اقتصاد دانش بنیان و رشد و توسعه شرکت های دانش بنیان اهمیت ارزشیابی دارایی های نامشهود این شرکت ها بیش از پیش نمایان گردیده است. عمدتاً پژوهش ها پیرامون بررسی متغیرهای کمی برای اندازه گیری دارایی های نامشهود و ارتباط آن ها با سایر متغیرها انجام شده است و هیچ یک به صورت خاص در مورد اقلام صورت های مالی شرکت های دانش بنیان و ارائه الگویی کاربردی برای این گونه شرکت ها که در اقتصاد در حال توسعه هستند ارائه نشده است. پژوهش حاضر به موضوع ارائه الگویی مناسب برای ارزش گذاری دارایی های نامشهود در شرکت های دانش بنیان می پردازد. در این پژوهش به کمک مصاحبه و بر اساس تحلیل مضمون برآمده از مصاحبه با ۳۰ نفر از متخصصان و صاحب نظران حوزه دارایی های نامشهود و شرکت های دانش بنیان، الگویی برای ارزش گذاری دارایی های نامشهود در شرکت های دانش بنیان در سال ۱۴۰۰ پیشنهاد شده است. در این الگوی ارزش گذاری دارایی های نامشهود به صورت کمی-کیفی (ترکیبی) و بر مبنای دارایی های نامشهود شناسایی شده و متغیرهای زیر شاخص قابل سنجش به دست آمده از مصاحبه با خبرگان مناسب به نظر می رسد. همچنین از پیامدهای ارزش گذاری دارایی های نامشهود، استفاده به عنوان ورودی ارزش گذاری شرکت ها و مقاصد تأمین مالی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ابزار مدیریتی کاربردی مورد تأیید قرار گرفت. **واژه های کلیدی:** دارایی های نامشهود، ارزش گذاری، شرکت های دانش بنیان.

۱- مقدمه

در سال‌های اخیر، مزیت رقابتی، محور استراتژی‌های رقابتی قرار گرفته و بحث‌های زیادی درباره آن مطرح شده است (تسای و همکاران^۱، ۲۰۰۸). شرکت‌ها برای بهبود عملکرد و مقابله با رقبا، باید دارای مزایای رقابتی باشند تا بتوانند در شرایط پیچیده و متحول، عملکردی برتر داشته و خود را در بازارها حفظ کنند (سینایی و همکاران، ۱۳۹۰). در سال‌های اخیر نه فقط حساسیت رقابت در بازار افزایش یافته، بلکه ماهیت آن نیز، تغییر کرده است. چرا که توجه شرکت‌ها، برای کسب عملکرد برتر و مزایای رقابتی، از سمت سرمایه‌گذاری در منابع مشهود به سمت سرمایه‌گذاری در نامشهود و حرکت در مسیر دانش، تغییر یافته است (راماسماوری و اسریوستاوا^۲، ۲۰۰۹). یکی از ویژگی‌های متمایز اقتصاد مبتنی بر دانش، جریان هنگفت سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. اقتصاد مبتنی بر دانش به گونه بالقوه منابع نامحدودی ارائه می‌کند؛ زیرا عامل نیروی انسانی و ذهن انسان برای ایجاد دانش، منبع نامحدودی تلقی می‌گردد. به بیان دیگر شرکت‌های دانش محور دارای منابع با اهمیت و قابل توجه در حوزه دارایی‌های نامشهود هستند که در حال حاضر در ایران، این منابع گزارش نمی‌گردند و گروه‌های مختلف استفاده کننده از آنها بی‌بهره هستند. از دارایی‌های نامشهود در حوزه دارایی‌های نامشهود می‌توان به اقلامی مانند قدرت، خلاقیت و نوآوری کارکنان، تجربه و مهارت کارکنان، رضایت مشتری، اطلاعات و دانش موجود در سازمان اشاره کرد که به سرعت مکمل دارایی‌های فیزیکی می‌شود (نمازی، ۱۳۸۸). نداشتن ماهیت فیزیکی نمی‌تواند چیزی از ارزش دارایی‌های نامشهود کم کند. از این رو، برای شناسایی این اقلام باید همان قواعد و مقررات مربوط به همه دارایی‌ها را رعایت کرد.

در ایران طبق بند ۴ فصل اول آیین‌نامه ارزیابی و تشخیص شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان (مصوب مرداد ۱۳۹۵) شرکت دانش‌بنیان شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به‌منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده فراوان به‌ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط تشکیل می‌شود. از دید اقتصاد کلان، سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی، برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه و همچنین سند

چشم‌انداز بیست ساله کشور، همگی حوزه اقتصاد دانش‌بنیان را جزء حوزه‌های مهم و تأثیرگذار در کشور دانسته و توسعه این بخش را در اولویت‌های برنامه‌های توسعه‌ای کشور قرار داده‌اند (خیاطیان و همکاران، ۱۳۹۵). در حال حاضر ۳,۲۱۱ شرکت دانش‌بنیان در ایران در حال فعالیت هستند^۳. بنابر آخرین آمار ارائه شده در زمینه میزان درآمد شرکت‌های دانش‌بنیان، تا پایان سال ۹۵ فروش کل این شرکت‌ها بالغ بر ۳۰ هزار میلیارد تومان بوده است. مهم‌ترین منبع تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان پس از سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، صندوق نوآوری و شکوفایی ریاست جمهوری است که در شش‌ماهه اول سال ۱۳۹۶ مبلغ ۷۶۴ میلیارد تومان تسهیلات در اختیار این شرکت‌ها قرار داده است.^۴

مهم‌ترین تسهیلات قائل شده برای این شرکت‌ها مطابق قانون، معافیت از پرداخت مالیات، عوارض، حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض صادراتی به مدت ۱۵ سال، بهره‌مندی از وام‌های کم بهره یا بدون بهره بلندمدت یا کوتاه‌مدت، ایجاد پوشش بیم‌های مناسب و اولویت واگذاری سهام مراکز و مؤسسات پژوهشی دولتی قابل‌واگذاری (بر اساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی) به این شرکت‌ها است. مزیت دیگر پیش‌بینی شده در قانون برای این شرکت‌ها، اولویت استقرار واحدهای پژوهشی، فناوری و تولیدی این شرکت‌ها در پارک‌های علم و فناوری، مناطق ویژه اقتصادی و مناطق ویژه علم و فناوری است. از منظر ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود، برخی از محققان آن را به‌عنوان تکنیک جدید در حسابداری به می‌دانند که می‌تواند تغییرات سازمانی قابل توجهی را به‌ویژه در بهبود عملکرد اقتصادی در سطح شرکت رقم بزند. باین‌وجود هنگامی که ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود به‌عنوان یک ابزار مدیریتی مورد توجه قرار گرفت، به‌خاطر تأثیر اندک آن در عمل مورد انتقاد قرار گرفت. اما اخیراً پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که این امر در کشورهای درحال توسعه می‌تواند بسیار موفق عمل کند (یو و همکاران^۵، ۲۰۱۷). در حال حاضر درک مشترکی بین دانشگاهیان از یک سو و شاغلان حرفه حسابداری از سوی دیگر شکل گرفته است مبنی بر اینکه دارایی‌های فیزیکی و محصولات تولیدی شرکت‌ها به‌تنهایی برای تضمین موفقیت آنها در بازار رقابتی امروز، کفایت نمی‌کند (سپاستین و گابریل^۶، ۲۰۱۲)؛ بنابراین نحوه اندازه‌گیری و افشاء بخش غیرفیزیکی دارایی‌های شرکت‌ها بخصوص شرکت‌های دانش محور بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.

⁴ <http://www.stnews.ir>

⁵ Yu et Al.

⁶ Sebastien & Gabrielle

¹ Tsai et al.

² Ramaswami & Srivastava

^۳ سایت کارگروه ارزیابی و تشخیص صلاحیت شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان ریاست جمهوری (daneshbonyan.list.ir)

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در رابطه با مبانی نظری اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود نظریه‌های گوناگونی در تحقیقات پیشین مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال دیدگاه مبتنی بر منابع^۱ (ریچارد^۲، ۲۰۱۴)، نظریه نمایندگی (یانگ و همکاران^۳، ۲۰۰۸)، نظریه ذینفعان و نظریه مشروعیت^۴ (چایکان و چاوچ^۵، ۲۰۰۶)، نظریه علامت‌دهی (تاسی و همکاران^۶، ۲۰۱۲) و نظریه نهادگرا (کاگونسون و همکاران^۷، ۲۰۱۰) از جمله نظریه‌هایی هستند که در حمایت از اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود به آنها پرداخته شده است (بی و همکاران^۸، ۲۰۱۵). با این وجود، آن و همکاران^۹ (۲۰۱۱) معتقدند که استفاده جداگانه از هر یک از نظریات در باب توجیه افشای اطلاعات دارایی‌های نامشهود کافی نیست؛ بنابراین آنها یک چارچوب نظری جامع با ترکیب چهار نظریه پرکاربرد در این حوزه ارائه دادند که شامل نظریه نمایندگی، نظریه ذینفعان، نظریه علامت‌دهی و نظریه مشروعیت است. این چارچوب یکپارچه شامل سه اصل کلیدی برای ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود است:

- ۱) کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت سازمان و ذینفعان گوناگون در جامعه.
- ۲) ادای مسئولیت پاسخگویی به ذینفعان مختلف.
- ۳) مخابره مشروعیت و برتری (یا کیفیت بالاتر) سازمان به جامعه.

این سه اصل محرک‌های ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود برای شرکت‌ها تلقی می‌گردند و بر مبنای آنها می‌توان ادعا نمود که اطلاعات دارایی‌های نامشهود برای گروه‌های مختلف استفاده کننده محتوای اطلاعاتی دارد (ان و همکاران، ۲۰۱۱).

کراما و نوزلا^{۱۰} (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان "ارزیابی و مدیریت دارایی‌های نامشهود" انجام داده و اظهار داشتند، در دهه‌های اخیر نه تنها در مؤسسات بزرگ بلکه در مؤسسات متوسط و کوچک نیز دارایی‌های نامشهود به آیتمی ضروری برای رقابت در فضای تجاری، تبدیل گشته است. علی‌رغم وجود روش‌ها و تکنیک‌های مختلف برای اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها، روش‌های کاربردی محدودی به‌ویژه در مؤسسات متوسط و کوچک معرفی شده است. هدف این پژوهش معرفی مدلی پیش‌ساخته و چندمنظوره و ارزیابی آن در سه

مؤسسه کوچک ایتالیایی بوده است. نتایج بررسی این مدل کاربردی نشان می‌دهد که افزایش میزان آگاهی مدیران درباره دارایی‌های نامشهود و بهبود مدیریت چنین دارایی‌هایی بسیار سودمند واقع گشته است.

راسل^{۱۱} (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های شرکت‌های استرالیایی در دوره ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۲، رابطه بین شناسایی دارایی‌های نامشهود و ارزش‌های آن را با انگیزه‌های شرکت برای مدیریت سود آزمون نمود. علاوه بر این، ارتباط ارزشی دارایی نامشهود و شناسایی سرقفلی، تحقیق و توسعه، اکتشاف و ارزیابی و دارایی‌های نامشهود قاب شناسایی با عملکرد شرکت را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های وی نشان داد که شناسایی دارایی‌های نامشهود با برنامه‌های پاداش مدیران، انتشار سهام، اهرم و z-score آلتمن^{۱۲} ارتباط دارد. علاوه بر این، اکتشاف و ارزیابی و سرقفلی در مقایسه با دارایی‌های نامشهود قابل شناسایی و تحقیق و توسعه، رابطه بسیار قوی‌تری با عملکرد دارند. همچنین دارایی‌های نامشهود هم با عملکرد شرکت‌های کوچک و هم با عملکرد شرکت‌های بزرگ رابطه‌های منفی دارد.

سیدلر و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۳)، مدلی جدید برای ارزیابی دانش مبتنی بر مالکیت فکری معرفی کردند و رابطه آن را با سودآوری شرکت سنجیدند. آنها امر ارزش‌گذاری را از مدل تعدیل شده سود باقی‌مانده آغاز کردند. برای اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود مبتنی بر دانش، فرض کردند سیستم حسابداری وجود دارد که هزینه‌های ایجادکننده دارایی‌های مبتنی دانش فکری (IE) یعنی هزینه‌های کارکنان، مخارج تحقیق و توسعه و هزینه‌های تبلیغات به حساب دارایی برده می‌شود. همچنین فرض کردند که جز α (بین صفر و یک) از هر سه هزینه گزارش شده در صورت سود و زیان، عامل تجمعی دارایی‌های نامشهود دانشی است و به‌عنوان سرمایه‌گذاری برای آینده تلقی می‌شود. به‌عنوان مثال، بخشی از مخارج تحقیق و توسعه به حق اختراع جدید در آینده منجر می‌شود. فرض دوم این است که عامل رشد ثابت در هزینه‌های ایجادکننده دارایی‌های نامشهود مبتنی بر دانش (g) وجود دارد و برابر با نرخ بهره بدون ریسک تعریف کردند. فرض دیگر این است که دارایی نامشهود دانشی باید در هر دوره با ضریب δ (بین صفر و یک) مستهلک شود. سپس با تعدیل مدل

⁸ Yi et Al.

⁹ An et Al.

¹⁰ Crema & Nosella

¹¹ Russel

¹² Altman

¹³ Sydler, et al.,

¹ Resource-based theory

² Richard

³ Yang

⁴ legitimacy theory

⁵ Chaican & Chuvej

⁶ Tasy et Al.

⁷ Cuganesan et Al.

اولسون و تخمین پارامترهای α و δ ، به برآوردی از دارایی‌های نامشهود ثبت نشده، دست یافتند.

تالیانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر افشای دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مالزی پرداختند. آنها با بررسی ۱۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس مالزی، دریافتند که سودآوری، عمر شرکت، اندازه شرکت، اهرم مالی، مالکیت نهادی و فرصت رشد، عوامل مؤثر بر افشای دارایی‌های نامشهود هستند و یافته‌های محققان نشان داد که حدود ۷۳ درصد شرکت‌های نمونه پژوهش، اطلاعات مربوط به دارایی‌های نامشهود را در گزارش‌های مالی خود افشا می‌کند.

در حوزه نحوه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها، مولودچیک و همکاران^۲ (۲۰۱۳) نشان داده‌اند که افشای کیفی و نه کمی دارایی‌های نامشهود بیشترین مزیت را از منظر منفعت - هزینه^۳ برای شرکت‌ها به دنبال دارد. مدل‌های کمی و ریاضی افشای دارایی‌های نامشهود چندان با اقبال مواجه نبوده و عمدتاً در تله توازن بین قابلیت اتکا و مربوط بودن درجا می‌زنند. همچنین ترس از هزینه‌های اختصاصی نیز ممکن است شرکت‌ها را از افشای کمی و قابل‌اتکای اطلاعات دارایی‌های نامشهود برحذر دارد.

گوگان و همکاران^۴ (۲۰۱۶) در مطالعه خود بر اساس روش همبستگی، به بررسی رابطه بین دارایی‌های نامشهود و عملکرد سازمانی در ۴ شرکت توزیع‌کننده آب آشامیدنی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ پرداختند. بر اساس مطالعه ادبیات و مدل‌های مطرح دارایی‌های نامشهود، پرسش‌نامه‌ای در قالب سؤالات بررسی اثرگذاری متغیرهای دارایی‌های نامشهود بر عملکرد سازمانی طراحی و بین ۴ شرکت فوق‌الاشاره ارسال گردید. بر اساس آزمون ۴ فرضیه تحقیق، نشان داده شد که رابطه مثبت معناداری بین دارایی‌های نامشهود و عملکرد سازمانی در شرکت‌های مذکور وجود داشته است.

میگاوا و هیساه^۵ (۲۰۱۳)، مشابه با تحقیقات سایر پژوهشگران دیگر، دارایی‌های نامشهود را به سه جزء اطلاعات کامپیوتری، دارایی‌های نوآوری و شایستگی‌های اقتصادی تقسیم کردند. اطلاعات کامپیوتری شامل نرم‌افزارهای خریداری شده و یا ایجاد شده در واحد تجاری می‌باشد. برای اندازه‌گیری آن از بهای نرم‌افزارهای خریداری شده و همچنین دستمزد افرادی که درگیر توسعه نرم‌افزار در واحد تجاری بودند بهره گرفته شد. دارایی‌های

نوآوری شامل تحقیق و توسعه، اکتشاف معدنی، مخارج کپی‌رایت و حق لیسانس و سایر مخارج توسعه و طراحی محصول می‌باشد. شایستگی‌های اقتصادی شامل سه جز است: برند، نیروی انسانی و ساختار سازمانی. برای اندازه‌گیری برند از اطلاعات تبلیغات استفاده می‌شود. در برآورد سرمایه انسانی از هزینه‌های آموزش کارکنان استفاده کرد. برای برآورد مخارج تجدید ساختار سازمانی از ۹٪ پاداش و حق‌الزحمه مدیریت استفاده شد. زیرا بر اساس بررسی چن و همکاران^۶ (۲۰۱۴)، ۹٪ کل ساعات کاری، مدیران اجرایی صرف اصلاح و تجدید ساختار سازمان می‌شود. نهایتاً مفروضاتی در مورد اینکه چند درصد از این مخارج نامشهود، دارایی نامشهود هست و تعیین نرخ استهلاک فرضی برای هر بخش دارایی‌های نامشهود، مانده دارایی‌های نامشهود را محاسبه کردند. سپس رابطه آن را با بهره‌وری و رشد اقتصادی بررسی کردند.

کاستیلا و رودریگز^۷ (۲۰۱۷)، در مقاله خود مشکلات و راه‌حل‌های ارزش‌گذاری دارایی‌های مبتنی بر دانش یک اقتصاد دانش‌بنیان را مورد بررسی و آزمون قرار داده است و سعی نموده است که یک سیستم ارزشیابی برای استفاده دانشجویان و محققین علاقه‌مند در این حوزه ارائه دهد. سه نوع سیستم ارزشیابی جهت دستیابی به ارزش دارایی‌های مبتنی بر دانش در این مقاله بحث شده است که شامل اعتبار ارزش، محتوای ارزش و ساخت ارزش هست. چارچوب ارائه‌شده در این مقاله می‌تواند در ویژگی‌های تصمیم‌گیری از قبیل ارزش اطلاعات، بهای تمام‌شده، قابلیت اتکا، اعتبار ارزشی و ... در دستگاه‌های اطلاعاتی متنی بر دانش قابل انجام باشد. این مدل قابلیت به‌کارگیری در سازمان‌های گوناگونی را دارد.

لوریرو و کاستلو^۸ (۲۰۱۲)، پژوهشی پیرامون مدلی برای ارزشیابی دارایی‌های نامشهود واحدهای SMEs که منجر به رشد و توسعه آن‌ها می‌شود ارائه داده‌اند. در این مقاله پنج فرضیه مطرح شده و سعی گردید بر محور دارایی‌های نامشهود که موجب رشد واحدهای SMEs می‌شوند که در فرضیه اول و دوم به ارتباط مثبت و معنی‌دار متغیر جایگزین سرمایه انسانی با متغیر جایگزین سرمایه ساختاری و متغیر جایگزین سرمایه ارتباطی اشاره شده است. در فرضیات سه تا پنج نیز به ارتباط مثبت و معنی‌دار هر یک از اجزای سرمایه فکری با نرخ رشد واحدهای SMEs اشاره شده است. بررسی الگوی ارائه‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه انسانی به طور مستقیم با رشد

⁵ Miyagawa & Hisa

⁶ Robinson & Shimiza

⁷ Castilla & Rodríguez

⁸ Loureiro & Castelo

¹ Taliyang et Al.

² Molodchik et Al.

³ Cost-Benefit

⁴ Gogan et Al.

موسوی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر دارایی‌های نامشهود بر عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان پارک علم و فناوری بوشهر پرداختند. آنها دارایی‌های نامشهود را در قالب ۶ شاخص شایستگی کارکنان، سرمایه نوآوری، سرمایه فرایندی، ساختار داخلی، سرمایه اجتماعی و ساختار خارجی طبقه‌بندی و با استفاده از پرسش‌نامه تأثیر عوامل مذکور بر عملکرد شرکت را مورد آزمون قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که دارایی‌های نامشهود تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازهای عملیاتی داشته است.

خیاطیان و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان "تحلیل محتوای ویژگی‌های شرکت‌های دانش‌بنیان" تلاش شده است تا با توجه به تعاریف ارائه شده در متون علمی و با استفاده از روش تحلیل محتوا، رویکردهای اصلی موجود در تعاریف شناسایی شده و دسته‌بندی مناسبی از آنها ارائه شود. بر اساس تحلیل محتوای تعاریف ارائه شده به‌وسیله محققان مختلف و همچنین ویژگی‌های ارائه شده در مطالعات گوناگون، معیارهای جدید بودن فناوری و ظهور صنایع جدید در قالب تعریف بخش و فناوری بالا یا متوسط، جوان بودن شرکت‌ها، اندازه شرکت‌ها، استقلال شرکت‌ها، موضوع فعالیت شرکت‌ها که به بهره‌برداری از دانش فنی جدید یا فناوری و تمرکز بر تحقیق و توسعه اشاره دارد و ویژگی مؤسسان، بیانگر ویژگی‌های اصلی شرکت‌های دانش‌بنیان هستند.

عارف‌منش و رحمانی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان "ارائه مدلی جهت ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، به نقش برجسته دارایی‌های نامشهود در موفقیت شرکت و ارزش نهایی آن پرداختند. هدف ایشان ارائه مدلی برای ارزشیابی دارایی‌های نامشهود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس برای یک دوره ۸ ساله هست. بدین منظور، ابتدا ماتریس نظری‌های برای شناسایی ابعاد دارایی‌های نامشهود و شاخص‌های مالی اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در هر یک از این ابعاد استخراج و سپس با استفاده از دو مدل تابع تولید کاب داگلاس^۴ و سیستم حسابداری فرضی ارزش دارایی‌های نامشهود برآورد گردید. بر اساس رتبه‌بندی نتایج حاصل از مدل اول، در شرکت‌ها به طور متوسط سرمایه‌گذاری‌های نامشهود در بخش منابع انسانی انجام می‌شود و مخارج زیادی صرف پرداخت حقوق به آنها می‌شود و این در حالی است که برای آموزش نیروی انسانی مخارج اندکی مصرف می‌شود. در رتبه دوم نیز مخارج حاصل از بازاریابی

واحدهای SMEs مرتبط نیست، درحالی‌که سرمایه ساختاری و سرمایه ارتباطی تأثیر اندکی بر رشد و توسعه واحدهای SMEs داشته‌اند. تفاوت با اهمیت‌تی که می‌توان در این پژوهش با تحقیق حاضر عنوان نمود این است که در پژوهش حاضر بعد از تحلیل مدل‌ها و مشخص‌شدن عوامل، نظرخواهی از خبرگان حرفه پیرامون آنها صورت می‌گیرد.

هانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۱)، به مطالعه رابطه دارایی‌های نامشهود و فرایندهای نوآوری پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد، بر اساس تئوری منبع‌محور دارایی‌های نامشهود بر فرایندهای نوآوری تأثیر مثبت‌تری دارد و اثر میانجی روابط بین دارایی‌های نامشهود و ظرفیت نوآوری را دارد. هم‌چنین سرمایه انسانی بنیانی‌ترین مؤلفه دارایی‌های نامشهود است و دیگر دارایی‌های سازمان را برای ظرفیت نوآوری را خلق و تقویت می‌کنند.

گالهور و همکاران^۲ (۲۰۱۶)، مقاله‌ای در خصوص حسابداری ملی برای دارایی‌های نامشهود در اقتصاد دانش‌بنیان منتشر نموده است که در آن مشکلات و راهکارهای مربوط به حل آن‌ها در خصوص سرمایه‌گذاری در دارایی‌های نامشهود، نحوه گزارشگری دارایی‌های نامشهود و نحوه تعیین ارزش آن‌ها صحبت کرده است. در اقتصاد انگلستان شرکت‌ها و فعالیت‌هایی در حال سرمایه‌گذاری و تأمین مالی هستند که از طریق سیستم حسابداری ملی قابلیت رسیدگی و تعیین ارزش ندارند؛ بنابراین دامن‌های از اندازه‌گیری این دارایی‌ها و مشکلات آن‌ها در این مقاله مشخص شده و با توجه به نوع هزینه مربوطه تقسیم‌بندی و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها تعیین شده است.

آسیایی و جوسو^۳ (۲۰۱۷) در پژوهش خود به بررسی نقش تنوع اندازه‌گیری در قالب سیستم ارزیابی عملکرد در رابطه بین دارایی‌های نامشهود و عملکرد سازمانی می‌پردازند. آنها با اضافه نمودن سرمایه اجتماعی و معیارهای محیطی در مدل کارت امتیازی متوازن^۴ کاپلان و نورتون اقدام به متنوع‌سازی سیستم ارزیابی عملکرد مدیریت نمودند. سپس با استفاده از پرسش‌نامه‌ای که بین مدیران مالی ۱۲۸ شرکت بورسی در ایران توزیع شده بود و اجرای روش حداقل مربعات جزئی، نتیجه گرفتند که شرکت‌هایی که دارایی‌های نامشهود بالاتری دارند، از تنوع بیشتری در معیارهای ارزیابی عملکرد برخوردارند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که تنوع در اندازه‌گیری می‌تواند به‌عنوان یک میانجی در رابطه بین دارایی‌های نامشهود و عملکرد سازمانی عمل کند.

⁴ Balanced score card (BSC)
5 - Cobb Douglas

¹ Huang
² Gallhofer et Al.
³ Asiaei & Jusoh

به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. پژوهش دارای دو گام اصلی است که در گام نخست، ابعاد دارایی‌های نامشهود سازمانی از مبانی نظری استخراج و با استفاده از روش دلفی و مصاحبه با خبرگان نمونه آماری، ارزیابی و تأیید شدند. خروجی این مرحله، شناسایی یازده بُعد دارایی‌های نامشهود بود. در گام دوم برای برقراری ارتباط و توالی بین ابعاد و ارائه مدل ساختاری آنها از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری بهره گرفته شد. نتایج پژوهش به طراحی مدل دارایی‌های نامشهود سازمانی در چهار سطح منجر شد. سرمایه‌های فکری، دانشی، اطلاعاتی و هوشی به‌عنوان تأثیرگذارترین ابعاد دارایی‌های نامشهود سازمانی شناسایی شدند که نقش مهم و کلیدی در مدل دارند. سرمایه‌های فرهنگی، سیاسی، سازمانی و شهرت سازمانی به‌عنوان خروجی مدل و کم‌اثرترین ابعاد شناسایی شدند.

طالب‌نیا و بدایغی (۱۳۹۷)، به بررسی رابطه دارایی‌های نامشهود و عملکرد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر دارایی نامشهود و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری پژوهش ۱۰۳ شرکت به روش حذفی از بین شرکت‌های بورسی انتخاب شد. جهت اندازه‌گیری عملکرد مالی پنج معیار (سود خالص، درآمد کل، نرخ بازده سرمایه‌گذاری (ROA)، درآمد هر سهم و سود نقدی هر سهم) با توجه به پیشینه پژوهش انتخاب شده است. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر از آمار استنباطی ضریب همبستگی، مدل رگرسیون خطی چندگانه و تحلیل واریانس استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین شناسایی دارایی نامشهود و سود خالص در صنایع خودرو و ساخت قطعات و فلزات و سطح کل در رابطه معنی‌داری وجود دارد، همچنین رابطه معنی‌دار بین شناسایی دارایی نامشهود و درآمد کل در صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات، خودرو و ساخت قطعات و فلزات و در سطح کل صنایع وجود دارد و رابطه معنی‌دار بین شناسایی دارایی نامشهود و نرخ بازده سرمایه‌گذاری فقط در صنعت دارویی است. بین شناسایی دارایی نامشهود و درآمد هر سهم در صنایع الکتریکی و دارویی رابطه معنی‌داری وجود دارد. سرانجام رابطه معنی‌دار بین شناسایی دارایی نامشهود و سود نقدی هر سهم در صنایع الکتریکی و غذایی وجود دارد.

مشایخی و بیرامی (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان "ارائه الگوی اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود" به تدوین الگوی اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود استفاده شده در ایران می‌پردازد. ماهیت الگوی ارائه شده در این پژوهش، همانند تلاش‌های نهادهای استاندارد گذاری همچون، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، مبتنی بر سازه اجتماعی و در نتیجه بر

بیشترین سهم مصرف مخارج نامشهود را به خود اختصاص می‌دهد. نتایج حاصل از مدل دوم برآوردی از دارایی‌های نامشهود ثبت‌نشده را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه مدل دوم ضریب تعیین بالاتر و خطای کمتر و خطای پیش‌بینی کمتری نسبت به مدل اول دارد، روش دوم نسبت به روش اول برای شناسایی دارایی‌های نامشهود ارجحیت دارد.

خیاطیان و همکاران (۱۳۹۵)، با بررسی مقال‌های تحت عنوان "الگوی پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران" به بررسی از این‌رو تعداد زیادی از این شرکت‌ها و به‌خصوص شرکت‌های جدیدتر پس از ورود به بازار، در اندک زمانی آن را ترک می‌کنند، پرداختند. در این راستا هدف این تحقیق، ارائه الگویی جهت تبیین پایداری و شناسایی عوامل مؤثر بر پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران است. باتکیه بر مصاحبه عمیق با ۱۲ نفر از مدیران و صاحب‌نظران حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان، پرسش‌نامه و مدل مفهومی تحقیق طراحی گردید. در نهایت هم با مشارکت ۳۳۰ نفر از مدیران شرکت‌های مستقر در پارک‌های علم و فناوری سراسر کشور، پرسش‌نامه توزیع و داده‌های طرح گردآوری شد. نتایج حاصله نشان داد که اولاً، ماهیت پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان از چهار مؤلفه نتایج مالی، نتایج بازار، نتایج نوآوری و نتایج کارآفرینی تشکیل شده است. ثانیاً، عوامل مؤثر بر پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان، دارای دو مؤلفه اصلی عوامل درون‌سازمانی (متشکل از دودسته عوامل فردی مؤسسين و عوامل شرکتی) و عوامل برون‌سازمانی (متشکل از دودسته عوامل ویژگی‌های کسب‌وکار و مؤلفه‌های نظام نوآوری) می‌باشد. نمازی و موسوی‌نژاد (۱۳۹۵)، دارایی‌های نامشهود را به دو گروه دارایی‌های نامشهود ثبت شده شامل حق اختراع، حق تألیف و حق تکثیر، سرقفلی محل کسب (حق کسب، پیشه یا تجارت)، علامت تجاری و نام تجاری، حق امتیاز و فرانسیز، نرم‌افزار رایانه‌ای، حق استفاده از خدمات عمومی، فرمول‌ها، مدل‌ها و طرح‌ها و دارایی‌های نامشهود در جریان ایجاد و دارایی‌های نامشهود ثبت نشده تقسیم‌بندی کردند. برای محاسبه دارایی‌های نامشهود ثبت نشده از متغیرهای جایگزین مثل ارزش افزوده اقتصادی، اضافه ارزش بازار نسبت به ارزش دفتری و نسبت کیو توپین استفاده کردند.

میرزایی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقال‌های تحت عنوان "طراحی مدل دارایی‌های نامشهود سازمانی با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری باهدف طراحی مدل دارایی‌های نامشهود سازمانی با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری پرداختند. جامعه آماری پژوهش شامل رؤسای دانشگاه و معاونین و رؤسای دانشکده‌های دانشگاه‌های دولتی منطقه ۵، کشور بود که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند ۱۴ نفر از آنان

بالاتری برای شرکت‌هایی که دارای مقدار بیشتری دارایی‌های نامشهود هستند، در نظر می‌گیرند. این تحقیق تمامی دارایی‌های نامشهود، شامل سرقفلی دارایی‌های نامشهود بدون سرقفلی را در نظر می‌گیرد. برای شرکت‌هایی با نرخ بالای "ارزش دفتری به بازار" این نتایج قوی‌تر هستند نشان می‌دهند که زیان ارزش بالقوه، حساب‌برسان را مجبور به دریافت هزینه‌های بالاتر برای چنین شرکت‌هایی می‌کند. انواع آزمون‌های حساسیت برای بررسی قابلیت اطمینان نتایج انجام می‌شود این نتایج برای سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران، مدیران شرکت‌ها، حساب‌برسان دارای اهمیت هستند.

نیکبخت و کلهرنیا (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان "تدوین مدل گزارشگری سرمایه‌فکری در شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی" به موضوع ارائه مدلی مناسب برای گزارشگری سرمایه‌فکری در شرکت‌های دانش‌بنیان می‌پردازد. در این پژوهش ابتدا به کمک مصاحبه و بر اساس تحلیل تم برآمده از مصاحبه با ۱۹ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه سرمایه‌فکری و شرکت‌های دانش‌بنیان، مدلی برای گزارشگری آثار سرمایه‌فکری در شرکت‌های دانش‌بنیان در سال ۱۳۹۷ انجام شده است. همچنین پرسش‌نامه‌ای به‌منظور ارزیابی میزان مقبولیت مدل کیفی به‌دست‌آمده برای ۱۱۴ صاحب‌نظر دیگر ارسال گردید که ۸۷ نفر به آن پاسخ‌دادند. پرسش‌نامه مذکور به لحاظ هر دو ویژگی قابلیت اعتماد و اعتبار قابل‌قبول بوده است. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر تأیید تمام اجزای اصلی مدل کیفی تدوین شده است. در این مدل گزارشگری سرمایه‌فکری با معیارهای کمی-کیفی (ترکیبی) و بر مبنای ۲۳ معیار قابل‌سنجش به‌دست‌آمده از مصاحبه با خبرگان مناسب به نظر می‌رسد. همچنین ارائه صورت سرمایه‌فکری در گزارش فعالیت هیئت‌مدیره به‌عنوان مکان مناسب گزارشگری سرمایه‌فکری مورد تأیید قرار گرفت. از پیامدهای گزارشگری سرمایه‌فکری، استفاده به‌عنوان ورودی ارزش‌گذاری شرکت‌ها و مقاصد تأمین مالی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ابزار مدیریتی کاربردی مورد تأیید قرار گرفت.

هشدار و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان "ارائه مدل بهبودیافته دسته‌بندی شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران" به بررسی بهبود و دسته‌بندی شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی است تا از این طریق نوع حمایت‌هایی که از این شرکت‌ها انجام می‌شود هوشمندانه‌تر باشد. مدل طراحی شده مبتنی بر ۴ متغیر اصلی اندازه شرکت (عوامل ساختاری و مالی)، مشخصه‌های نوآوری و فناوری (پیچیدگی فناوری)، نوع شرکت و سطح فعالیت شرکت (نمونه‌سازی یا تولیدی) در هر حوزه فناوری (۹ حوزه توافقی) است. دسته‌بندی پیشنهادی، مبتنی بر تحلیل کیفی نظرات

مبنای فرایند مشاوره و کنش‌های متقابل با متخصصان ساخته شده است. اما برخلاف فرایند قانون‌گذاری استاندارد گذاران، تجزیه‌وتحلیل‌های صورت‌گرفته در این پژوهش مبتنی بر استفاده از روش نظریه داده بنیان و با استفاده از مصاحبه‌های ساختار نیافته و عمیق انجام شده است. این پژوهش با انجام ۱۵ مصاحبه به روش گلوله برفی به اشباع رسید. نتیجه پژوهش نشان داد پدیده محوری در الگوی اندازه‌گیری دارایی نامشهود در میان ارزیابان دارایی‌های نامشهود، "سودمندی در تصمیم است" است که در شرایط علی سطح تجمیع، وضعیت سواری مجانی، قابلیت اندازه‌گیری و تعیین هدف از ارزیابی و راهبرد استفاده از مبنای اندازه‌گیری چندگانه تبیین‌پذیر است که با رویکرد کنونی استانداردهای حسابداری بین‌المللی نیز همسوست.

رستگار و گلشاهی (۱۳۹۸)، در مقاله "چالش‌های روابط فرد - سازمان در شرکت‌های دانش‌بنیان" پرداختند و به ارائه راهبردهای مناسب جهت رفع موانع اشتغال کارکنان دانشی بر مبنای مطالعه‌ای تحلیلی موردی و با رویکرد کیفی به روش تحلیل تم صورت‌گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران فعال در شرکت‌های مستقر در پارک‌های علم و فناوری شهر تهران و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با تعداد ۱۰ نفر از مدیران خبره شرکت‌های مذکور با رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و به روش گلوله برفی بوده است. نتایج یافته‌های تحلیل تم مشخص نمود که سه چالش عمده فردی، ساختاری و فرهنگی پیشروی تنظیم روابط فرد سازمان در شرکت‌های مذکور وجود دارد که در این رابطه بایستی ضمن بازنگری در سیاست‌های کار و اشتغال و تنظیم صحیح روابط بین فرد-سازمان، در پی طراحی مشاغل هم‌راستای با اقتصاد دانایی محور بود که از جمله آن مشاغل تخصصی صنایع شامل مهندسی و مدیریت پروژه، مشاغل برگرفته از فناوری‌های جدید مانند نانو و علوم زیستی، مشاغل خدماتی تخصصی تسهیل‌کننده تعاملات مانند وکالت و مشاوره و مشاغل جذب شده از شرکت‌های خارجی ناشی از مزیت رقابتی می‌باشند.

عزیزگرد و همکاران (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "دارایی‌های نامشهود در ترازنامه و هزینه‌های حسابرسی" به بررسی مطالعه تجربی به نحوه مشاهده حساب‌برسان به دارایی‌های نامشهود که در ترازنامه ثبت شده‌اند پرداختند. نقش دارایی‌های نامشهود در ترازنامه شرکت‌ها افزایش یافته است اهمیت آن‌ها در حال رشد است. در مقابل دارایی‌های مشهود، دارایی‌های نامشهود، چالش‌های منحصربه‌فردی را برای حساب‌برسان در شرایط قضاوت پیچیدگی ایجاد می‌کنند. این تحقیق از یک نمونه از شرکت COMPUSTAT در طول دوره‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۰ استفاده می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که حساب‌برسان هزینه‌های

خبرگان با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی در ۴ دسته که پاسخگوی مسائل و مشکلات ایران باشد ارائه شده است.

۳- روش شناسی تحقیق

۳-۱- سوالات تحقیق

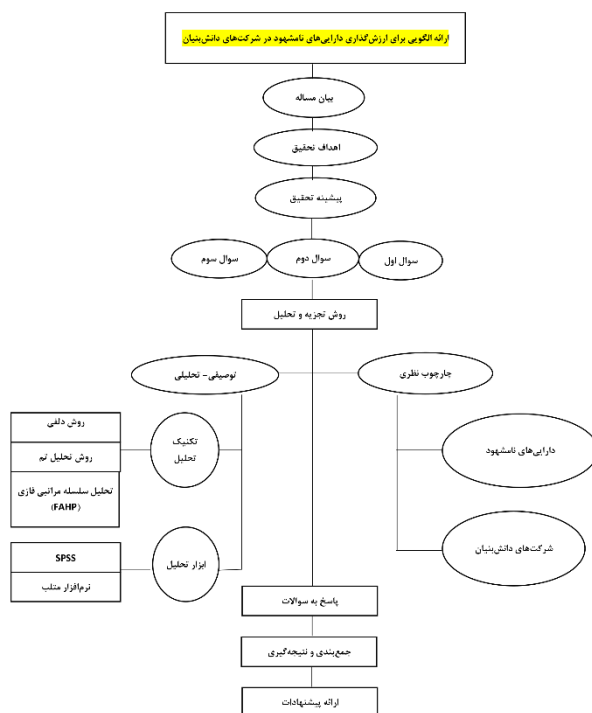
تحقیق حاضر در پی پاسخ‌دادن به سؤال اصلی زیر است:

الگوی مناسب و عملیاتی برای ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود و مؤلفه‌های آن در ایران با تاکید بر شرکت‌های دانش‌بنیان چیست؟ در حال حاضر دارایی‌های نامشهود و مؤلفه‌های آن توسط شرکت‌ها بخصوص شرکت‌های دانش‌بنیان گزارش نمی‌گردد. با توجه به گسترش روزافزون شرکت‌های دانش محور و حرکت اقتصاد کشور به سمت اقتصاد دانش‌بنیان نیاز به ارزش‌گذاری منابع نامشهود شرکت‌ها بیش‌ازپیش احساس می‌گردد. در این بین لازم است تا دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها ارزیابی و اندازه‌گیری و در گزارش‌های سالانه آنها گنجانده شود تا از این طریق اطلاعات موردنیاز گروه‌های مختلف استفاده کننده برآورده گشته و عدم تقارن اطلاعاتی در این حوزه تا حد قابل‌قبولی کاهش یابد. این مهم در نهایت منجر به تخصیص صحیح منابع بین شرکت‌ها شده و از هدر رفت سرمایه‌های فکری شرکت‌ها جلوگیری می‌نماید. در حال حاضر این نوع ارزش‌گذاری در برخی کشورهای توسعه‌یافته انجام می‌پذیرد و مدلهایی نیز برای نحوه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در کشورهای مذکور به کار گرفته شده‌اند. حال سؤال این است که برای

ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در ایران با رویکرد شرکت‌های دانش‌بنیان، چه نوع الگویی می‌توان ارائه نمود که با توجه به شرایط موجود بتواند جنبه‌های مختلف دارایی‌های نامشهود را لحاظ نماید. پس سؤال تحقیق این است که الگوی مناسب ارزش‌گذاری

دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی چیست؟

برای دستیابی به پاسخ به سؤال فوق که هدف اصلی از انجام تحقیق است، سؤالات زمینه‌ای دیگری هستند که قبل از رسیدن به سؤال اصلی تحقیق می‌توان آنها را طرح نمود. برای نمونه نیازهای گروه‌های مختلف استفاده کننده در حوزه دارایی‌های نامشهود کدام‌اند؟ از دید تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی و افراد درون‌سازمانی، چه مفاهیم و معیارهایی جهت کمک به تصمیم‌گیرندگان می‌تواند تعیین‌کننده باشند؟ شرایط اقتصادی و مسیر توسعه اقتصادی در ایران چگونه است؟ برای بعد اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود چه سنجه‌هایی را می‌توان به کار گرفت؟ جنبه‌های مرتبط با ایجاد ارزش و شورآفرینی دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های ایرانی کدام است؟ نحوه ارزیابی و راستی‌آزمایی اطلاعات حوزه دارایی‌های نامشهود چگونه می‌تواند باشد؟ پاسخ به این سؤالات زمینه‌ای و سؤالات دیگری که از دل مرور ادبیات و همچنین مصاحبه‌های عمیق بدست می‌آید، در نهایت محقق را به پاسخ سؤال اصلی تحقیق رهنمون می‌سازد. در شکل شماره ۱ متدولوژی این پژوهش به طور کامل تبیین گردیده است.



شکل شماره ۱. متدولوژی تحقیق

۴- تحلیل

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، پژوهشی اکتشافی است. از سوی دیگر، به لحاظ ماهیت داده‌ها (و روش‌های تحلیل) از نوع کیفی است و با داده‌های کیفی سروکار دارد. پژوهش کیفی^۱ به هر نوع پژوهشی گفته می‌شود که یافته‌های آن با توسل به عملیات آماری یا سایر روش‌های شمارشی بدست نیامده باشد. «تحلیل کیفی یک شیوه به کلی متفاوت فکر کردن راجع به داده‌هاست» (افشار، ۱۳۹۲). «در این نوع تحقیق، محقق با استفاده از عقل و منطق و غور و اندیشه باید اسناد، مدارک و اطلاعات را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد و حقیقت و واقعیت را کشف و درباره فرضیه‌ها اظهار نظر نماید» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵).

تحلیل مضمون

کینگ و هاروکس در سال ۲۰۱۰ با بررسی و جمع‌بندی تلاش‌های دیگر پژوهشگران تحلیل مضمون، فرایندی سه‌مرحله‌ای را برای تحلیل مضمون ارائه داده‌اند که در این تحقیق نیز از این فرایند استفاده می‌شود. این فرایند شامل سه مرحله کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر می‌باشد.

گردآوری داده‌ها

داده‌های این پژوهش از سه طریق زیر جمع‌آوری شده است: الف) بررسی متن‌ها: ۶ متن تخصصی (کتاب، پایان‌نامه و مقاله پژوهشی) در زمینه دارایی‌های نامشهود و ارزش‌گذاری آنها از ادبیات تحقیق برای تحلیل انتخاب شد. هدف از این کار ارزیابی و دستیابی به مجموعه کاملی از متغیرها و معیارهای کمی و غیرکمی در زمینه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود است. همچنین دلیل انتخاب متون مذکور نیز این بوده که از نظر پژوهشگر، در بین پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود، بیشترین اشاره و تشریح متغیرها و سنجه‌های کمی دارایی‌های نامشهود در این متون قابل دستیابی بود.

ب) مصاحبه: در مجموع ۳۰ مصاحبه و در دو مرحله سپری شد. در مرحله اول ۱۰ مصاحبه اکتشافی با ۱۰ نفر (۸ نفر در حوزه دارایی‌های نامشهود و دو نفر صاحب‌نظر در زمینه شرکت‌های دانش‌بنیان) انجام گرفت که از دید محقق در زمینه دارایی‌های نامشهود و شرکت‌های دانش‌بنیان صاحب‌نظر بودند. در ادامه روند تحقیق، مصاحبه‌های اکتشافی و اصلی به صورت نیمه ساختار یافته و حضوری برگزار و متن آن ضبط شد. جامعه

آماری این بخش از تحقیق را مدیران عامل و مدیران مالی شاغل در شرکت‌های دانش‌بنیان و فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری دارای تجربه کاری در شرکت‌های دانش‌بنیان شکل داده است. دلیل انتخاب این جامعه آماری از دو جهت بوده است: اول اینکه جهت ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود از منظر حسابداری و ابعاد گوناگون آن نیاز به صاحب‌نظرانی است که در حوزه حسابداری و ارزش‌گذاری مالی دارای دانش و تجربه کافی باشند. دوم هم اینکه به جهت شناسایی و درک عوامل و معیارهای مناسب ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های دانش‌بنیان، نیاز به مصاحبه و پرسش از افراد خبره و صاحب تجربه در این زمینه بود. نمونه آماری در مرحله اول چند صاحب‌نظر به تشخیص محقق بود که از آنها مصاحبه اکتشافی به عمل آمد. در مرحله بعد برای مصاحبه‌های اصلی، نمونه‌های آماری بر اساس روش گلوله برفی^۲ با معرفی مصاحبه‌شوندگان قبلی به محقق انتخاب شدند. در نمونه‌گیری گلوله برفی، شرکت‌کنندگانی انتخاب می‌شوند که به نحوی با یکدیگر پیوند دارند و پژوهشگر را به دیگر افراد همان جامعه راهنمایی می‌کنند (حریری، ۱۳۸۵). در این پژوهش و بر اساس اشباع نظری ۳۰ مصاحبه به عمل آمد. اشباع نظری یعنی تا زمانی که داده جدیدی به دست نیاید و مناسبات میان مقوله‌ها به‌خوبی مشخص شده باشد (افشار، ۱۳۹۲) که در این تحقیق و بر همین اساس ۳۰ مصاحبه به انجام رسیده است.

ج) پرسش‌نامه: جهت آزمون مقبولیت مدل بدست آمده از تحقیق نیز پرسش‌نامه‌ای در قالب ۳۰ سؤال طراحی و در اختیار صاحب‌نظران (اساتید و دانشجویان مقطع دکتری رشته حسابداری) توزیع گردید. پرسش‌نامه مذکور در مقیاس پنج تایی لیکرت^۳، میزان موافقت یا مخالفت پاسخ‌دهنده را با هر یک از گزاره‌های مربوط به اجزای مدل بدست آمده از تحقیق از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم، می‌سنجد. نتایج این آزمون میزان موافقت متخصصان (صاحب‌نظران) با مدل کیفی پیشنهاد شده در این تحقیق را می‌سنجد. نظر به غیرممکن بودن تهیه چارچوب کامل جامع جهت نمونه‌گیری تصادفی، (نظر به گستردگی و پراکندگی جامعه آماری)، از نمونه‌گیری قضاوتی^۴ و یا در دسترس و یا هدفمند استفاده شده است. البته در انتخاب نمونه قضاوتی پژوهشگر تمام سعی خود را کرده است که حداکثر تنوع ممکن را فراهم کند. برای این منظور تعداد ۱۱۴ پرسش‌نامه بین جامعه آماری توزیع شد که ۸۷ پرسش‌نامه تکمیل شده به پژوهشگر رسید.

³ Likert scale

⁴ Judgmental sampling

¹ Qualitative Research

² Snowball

۵- یافته‌های پژوهش

• تجزیه و تحلیل بر اساس روش تحلیل مضمون

مضامین و تم‌های شناسایی شده در متن نشست‌های هم‌اندیشی ارائه شده در طبقه‌بندی شرکت‌های دانش‌بنیان در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

در ادامه بر مبنای روش نظریه تحلیل مضمون نظریه بروان و کلارک به تحلیل نتایج از تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. با توجه به نظریه بروان و کلارک فازها و گام‌های روش تحلیل مضمون ممکن است با برخی فازهای روش تحقیق کیفی

مشابه باشند و یا به عبارت دیگر منحصر به تحلیل مضمون نباشند. اما به‌طور کلی تحلیل مضمون دارای ۶ فاز به شرح جدول شماره ۲ است.

در این راستا کدها، مفاهیم و مقوله‌های تولید شده ارائه شده است. پس از تعیین مضامین پایه و به دنبال نزدیکی معانی بین آنها، مضامین فرعی شناسایی گردیدند. این فرایند تا تعیین مضامین اصلی به همین منوال ادامه یافت. به این ترتیب شش مضمون اصلی و هجده مضمون فرعی تشکیل شدند. جدول شماره ۳ خلاصه‌ای از مضمون‌های نهایی مرتبط با ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های دانش‌بنیان را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱. مفاهیم و تم‌های شناسایی شده در متن نشست‌های هم‌اندیشی

مفاهیم	نقل قول‌های مرتبط با مفاهیم شناسایی شده
حوزه فناوری	در تقسیم‌بندی شرکت‌ها، معیارهای ظاهری (مانند سن، اندازه شرکت و ...) در نظر گرفته شد، در صورتی که اگر از نظر فنی نگاه شود، در حوزه زیست یا دارو، هزینه‌ها قابل مقایسه با حوزه آی تی نیست. باید حوزه‌های فناوری نیز در دسته‌بندی‌ها لحاظ شود.
پیچیدگی و مشخصه‌های فناوری و نوآوری	در قانون آمده که از فناوری‌های برتر و دارای ارزش افزوده فراوان اقتصادی حمایت شود. فناوری برتر یعنی فناوری‌های دارای پیچیدگی فنی بالا که ناشی از تحقیق و توسعه باشد.
سطح فعالیت شرکت	شاید بد نباشد برای صادراتی‌ها هم تفکیک قائل شد.
عمر شرکت	فقط بر اساس سن مقایسه نشود.
شرکت‌های دسته ۱ (نوزاد یا پایه)	یک مشکل، شرکت‌های نوزاد هستند که هنوز شرکت نشده‌اند تا بتوانیم مستقیماً از آن‌ها حمایت کنیم و مشکل دیگر آن‌هایی هستند که شرکت شده‌اند ولی طبقه‌بندی در مورد آنها وجود ندارد که بتوانیم به آن‌ها پول بدهیم و بعد چالش قانونی نداشته باشیم. یک سری شرکت‌ها در لایه تسهیلات قرار ندارند یعنی اصلاً تسهیلات نمی‌خواهند ولی کمک بلاعوض نیاز دارند؛ اسم این شرکت‌ها را شرکت‌های دانش‌بنیان پایه (یا نوزاد) بگذاریم و یک یا دو سال فرصت بدهیم که به شرکت نوپا تغییر شکل بدهند. تعدادی از دسته‌بندی‌هایی که مهم هستند ولی مغفول مانده‌اند داخل طبقه‌بندی بیایند و تعدادی که مهم نیستند ولی طبق قانون مشمول حمایت شده‌اند از طبقه‌بندی خارج شوند. تفاوت نوپا و خرد، بین استارت‌آپ و شرکت نوپای سنتی از نظر مدل کسب‌وکاری تفاوت اساسی است و نباید در یک دسته قرار بگیرند و نوع حمایت‌های این‌ها باید متفاوت باشد.
شرکت‌های حوزه علوم انسانی، مشاوره مدیریت، طراحی مهندسی و ...	محصولات فرهنگی و حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی که بیشترین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ما در این حوزه‌ها هستند، در دسته‌بندی دانش‌بنیان قرار نگرفته‌اند. باید تدبیری اندیشه شده و قالبی برای دانش‌بنیان شدن شرکت‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی تهیه شود. در زمینه علوم انسانی مهم‌ترین ملاک کارگروه تحقیق و توسعه است. در مورد جایگاه شتاب‌دهنده‌ها، شرکت‌های خدمات تجاری‌سازی، شرکت‌های طراحی مهندسی و ... رفع ابهام شود.

جدول شماره ۲. الگوی تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶)

فاز	توصیف فرایند
آشنایی با داده‌ها	نوشتن داده‌ها (در صورت ضرورت (شفاهی بودن)، خواندن و دوباره خواندن، ثبت ایده‌های اولیه
ایجاد کدهای اولیه	کدگذاری ویژگی‌های موردنظر داده به صورت منظم در کل مجموعه داده، (و نهایتاً) تطبیق و مرتب کردن داده‌ها با هر یک از کدها
جستجو مضامین	تطبیق دادن کدها به مضامین بالقوه، و جمع‌آوری همه داده‌های مرتبط با هر یک از مضامین بالقوه

توصیف فرایند	فاز
چک کردن مضامین بالقوه با کدهای استخراج شده (سطح ۲) و مجموعه داده‌ها (سطح ۱)، و ایجاد شبکه تحلیلی مضامین.	بازنگری مضامین
تحلیل مداوم جهت پالایش ویژگی‌های هر "تم"، بیان جامع نقل‌قول‌ها، تدوین تعاریف روشن و نام‌ها برای هر یک از تم‌ها	تعریف و نام‌گذاری مضامین
آخرین فرصت برای تحلیل، انتخاب نمونه‌های روشن و آشکار، تحلیل پایانی از خروجی‌های مرتبط با سؤالات تحقیق و ادبیات و تدوین یک گزارش آکادمیک از تحلیل.	تدوین گزارش

جدول شماره ۳. مضامین فراگیر و کدهای تفسیری و توصیفی شناسایی شده

مضامین فراگیری	کدهای تفسیری	کدهای توصیفی
درون‌سازمانی	سرمایه فکری	دانش افراد
		خلاقیت
		شهرت و تجربه
		ظرفیت
	عناصر ساختاری	عرضه‌کنندگان
		تشکیلات
		چشم‌انداز و رسالت
		حمایت مدیر
بازاریابی	فرهنگ سازمانی	
	نام‌های تجاری	
	علائم تجاری	
	موافقت‌نامه‌های غیررقابتی	
مشتری	لباس تجاری (رنگ منحصر به فرد، شکل یا طراحی بسته)	
	روابط با مشتریان	
	لیست مشتریان	
	قراردادهای مشتری و روابط مشتری مرتبط	
قرارداد	روابط مشتری غیر قراردادی	
	سفارش یا تولید ناتمام	
	مجوز، حق امتیاز	
	قراردادهای تبلیغات	
برون‌سازمانی	فناوری	خدمات یا عرضه
		فرایندها
		فناوری ثبت اختراع
		سیستم‌های نرم‌افزاری کامپیوتری
هنر	فناوری بدون ثبت اختراع	پایگاه‌های داده
		کسب‌وکارهای مخفی
		کتاب‌ها و مجلات
		شعار آهنگ، تصاویر
		مواد ویدئویی و سمعی و بصری
		برنامه‌ها

در نهایت برای یافتن مضمون‌ها، داده‌های کیفی حاصل از مرور متن‌ها و مصاحبه‌ها کدگذاری و دسته‌بندی شدند. سپس به تعیین و نام‌گذاری مضمون‌های درون داده‌ها پرداخته شد. جدول شماره ۴ نتایج حاصل از تحلیل مضمون‌ها همراه با دسته‌های مضمون و ذکر کدهای هر یک را نشان می‌دهد که بر اساس آن مدل کیفی پژوهش در شکل ۱ ترسیم شده است.

جدول شماره ۴. تحلیل تم همراه با کدهای هر تم

مضامین فراگیر	کدهای تفسیری	کدهای توصیفی	کدها
متغیرهای درون سازمانی ارزش‌گذاری دارایی نامشهود	سرمایه فکری	دانش افراد	A0101-A0401-A0506-A0803-A0905-A1101-A1203-A1302-A1503
		خلاقیت	-A1305-A1403\۱\۰\۱A0102-A0601-A0705-A0906-A
		شهرت و تجربه	A0104-A0208-A0309-A0314-A0403-A0507-A0605-A0901-A1504
		ظرفیت	A0303-A0605-A0705-A1105-A1302-A1504
		عرضه کنندگان	A0206-A0112-A0406-A0509-A1103-A1206-A1501
	عناصر ساختاری	تشکیلات	A0106-A0301-A0611-A0709-A1003-A1401
		چشم انداز و رسالت	A0203-A0406-A0508-A0609-A0811-A0910-A1002-A1104-A1304-A1501
		حمایت مدیر	A0206-A0301-A0409-A0603-A0708-A1005-A1501
		فرهنگ سازمانی	A0306-A0408-A0607-A0707-A0803-A0901
		نام تجاری	A0105-A0206-A0411-A0612-A0714-A0906-A1104-A1202-A1308-A1509
بازاریابی	علائم تجاری	A0210-A0408-A05-07-A0606-A0711-A0912-A1103-1204-A1505	
	موافقت نامه های غیر رقابتی	A0108-A0305-A0402-A0509-A0603-A0801-A1007	
	لباس تجاری (رنگ منحصر به فرد، شکل یا طراحی بسته)	A0306-A0406-A0602-A0703-A0901-A1010-A1108-A1204-A1303-A1406	
مشتری	روابط با مشتریان	A0106-A0201-A0502-A0703-A0805-A1009-A1203-A1303-A1403	
	لیست مشتریان	-A1101-A1403\۰\۱A0106-A0301-A0405-A0706-A08	
	قراردادهای مشتری و روابط مشتری مرتبط	A0204-A0408-A0509-A0708-A0901-A1504	
	روابط مشتری غیر قراردادی	A0203-A0805-A0905-A1005-A1202-A1404	
	سفارش یا تولید ناتمام	A0306-A0312-A0409-A0809-A0903-A1206-A1506	
	مجوز، حق امتیاز	A0106-A0501-A0606-A0709-A0902-A1401	
	قراردادهای تبلیغات	A0203-A03011-A0608-A0709-A0811-A1010-A12011-A1311-A1509	
متغیرهای برون سازمانی ارزش‌گذاری دارایی نامشهود	قرارداد	خدمات یا عرضه	A0209-A0310-A0411-A0603-A0711-A1009-A1501
		فرایندها	A0310-A04108-A0607-A0711-A0812-A0901
	فناوری	فناوری ثبت اختراع	A0110-A0210-A0411-A0512-A0714-A0910-A1101-A1210-A1308-A1510
		سیستم‌های نرم‌افزاری کامپیوتری	A0210-A0410-A0511-A0613-A0701-A0912-A1107-1210-A1511
		فناوری بدون ثبت اختراع	A0108-A0211-A0412-A0513-A0608-A0911-A1112
		پایگاه‌های داده	A0312-A0411-A0610-A0703-A0913-A1014-A1110-A1204-A1311-A1410
		کسب‌وکارهای مخفی	A0210-A0313-A0401-A0612-A0713-A1012-A1509
		کتاب‌ها و مجلات	A0310-A0414-A0612-A0710-A0811-A0914
	هنر	شعار آهنگ، تصاویر	A0111-A0206-A0313-A0511-A0914-A0913-A1112-A1212-A1306-A1411
		مواد ویدئویی و سمعی و بصری	A0211-A0310-A0406-A0512-A1113-A1210-A1509
برنامه‌ها		A0113-A0313-A0613-A0712-A1013-A1406	
شیوه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود	تخصیص ابعاد و ضرایب اهمیت به طبقات دارایی‌های نامشهود لزوم طبقه‌بندی متغیرها		

متغیرهای موجود در ادبیات	شیوه اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود
اولویت‌بندی متغیرها جهت اندازه‌گیری کمی	
توازن بین مربوط بودن و قابلیت اتکا	
تعداد ساعات آموزش - متوسط زمان به‌روزرسانی دانش افراد-فروش به‌ازای هر کارمند-درصد کارمندان حرفه‌ای-نسبت هزینه آموزش به هزینه اجرایی-تعداد سال تجربه در زمینه تخصصی-هزینه سرانه آموزش کارکنان نسبت به حقوق و مزایای دریافتی-درصد بودجه آموزشی کارکنان-نسبت حقوق و مزایای دریافتی نسبت به میانگین تخصص مربوطه	متغیرهای کمی مناسب جهت ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های دانش‌بنیان
سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات به کل سرمایه‌گذاری‌ها-نسبت هزینه امنیت به کل هزینه‌ها-تعداد فرایندهای یکپارچه شده-هزینه سالانه حمایت از نشان تجاری-ارزش کارشناسی حقوق و امتیازات تجاری-نسبت تعداد رایانه به کارمند-رشد شاخص‌های کیفی محصول-میزان سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات-بودجه سالانه تحقیق و توسعه- ارزش افزوده به‌ازای هر کارمند-مدت‌زمان انجام هر فرآیند-متوسط عمر اختراعات-تعداد جلسات کارکنان با مدیران/مدیرعامل-درصد خروج کارکنان در سال اول-تعداد گواهی‌نامه‌های تخصصی-نسبت هزینه تحقیق و توسعه به فروش	
حجم فروش‌های مجدد به مشتریان- سودتحصیل شده به‌ازای هر مشتری-درصد مشتریان عمده-میزان سفارش‌ها تکراری به کل سفارش‌ها-نسبت مشتریان وفادار- درآمد حاصل از مشتریان جدید-درصد مشتری جدید در قبال مشتری از دست‌رفته- میزان رشد رضایت مشتریان- رشد سالانه حجم فروش-تعداد مشتریان جدید نسبت به سهم بازار جدید-رشد سالانه تعداد مشتریان-میانگین خرید مشتریان-سهم بازار شرکت-نرخ برگشت (مرجوعی) محصول	

شده بر اساس زیر به عدد تبدیل و سپس با نرم‌افزار SPSS تحلیل شده‌اند. لازم به توضیح است طراحی پرسش‌نامه و آزمون آن صرفاً جهت سنجش اعتبار مدل بدست آمده در تحقیق بوده است.

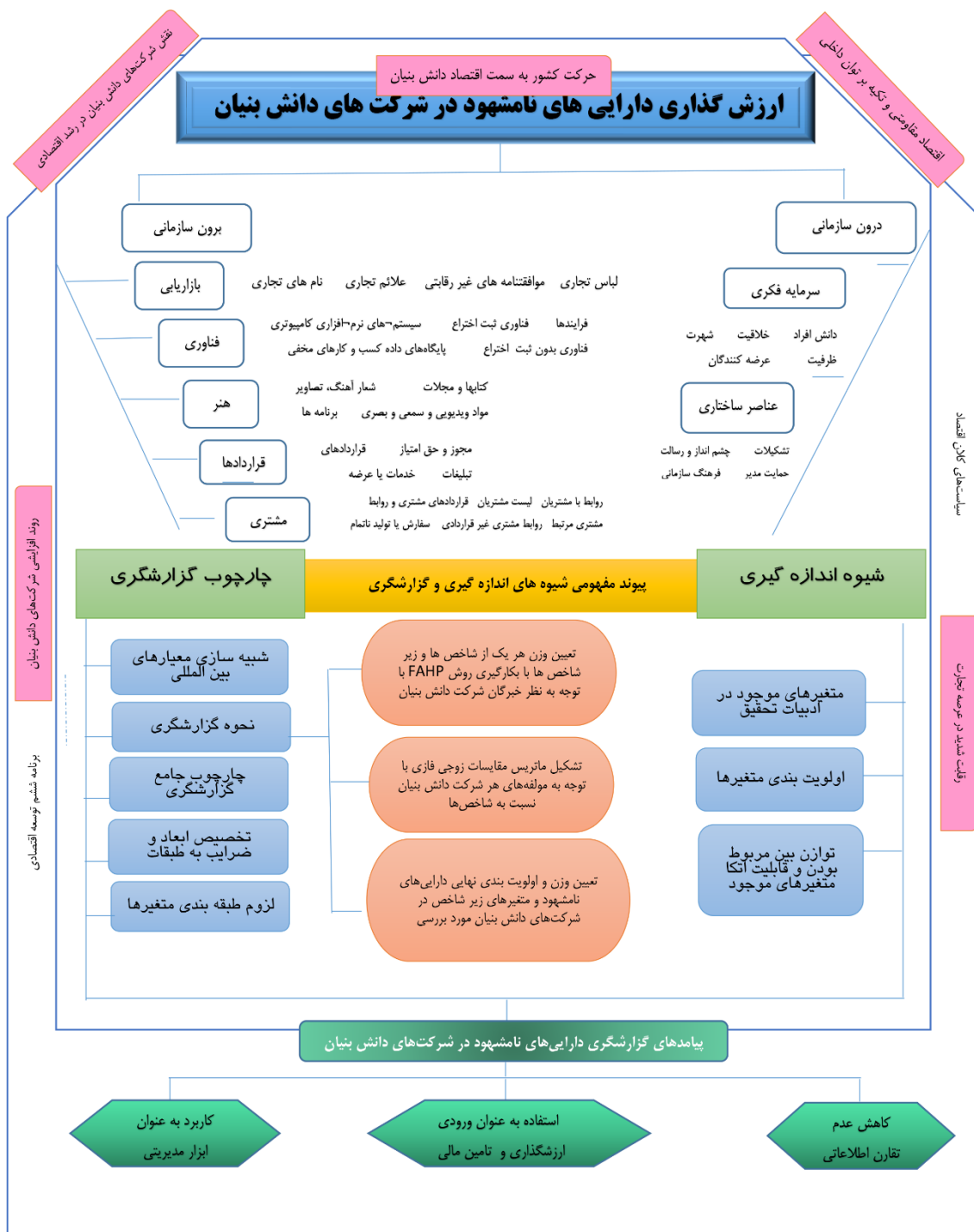
کاملاً مخالفم = ۱ مخالفم = ۲ نظری ندارم = ۳ موافقم = ۴ کاملاً موافقم = ۵

با توجه به جامعه آماری تحقیق که با آنها مصاحبه حضوری یا تلفنی صورت پذیرفته بود، تعداد ۳۰ پرسش‌نامه تهیه و برای ایشان ارسال گردید که نهایتاً ۳۰ پاسخ به دست پژوهشگر رسید. سپس داده‌های بدست آمده جهت شناسایی متغیرهای مناسب جهت قرارگیری در مدل ارزش‌گذاری با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. آمار توصیفی بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول شماره ۶ قابل مشاهده است.

لازم به توضیح است در رابطه با تعیین زیر شاخص‌ها و متغیرهای فرعی الگوی ارائه شده تحلیل مضمون صورت پذیرفته که به بررسی متغیرهای زیر شاخص و تأثیرگذار در ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود می‌پردازد، با توجه به حساسیت موضوع و نقش این متغیرهای زیر شاخص در جهت ارزش‌گذاری، پرسش‌نامه‌ای شامل ۴۵ سؤال در رابطه با متغیرهای زیر شاخص استخراج شده از متون ادبیات برای مصاحبه شوندگان ارسال گردید تا نتایج حاصل از میزان تأثیر آنها در ارزش‌گذاری نهایی دارایی نامشهود منعکس گردد. این شش متن پس از بررسی حدود سی متن از ادبیات حوزه دارایی‌های نامشهود استخراج گردیده است. به بیان دیگر به دلیل پراکندگی و تنوع متغیرهای شناسایی شده در تحقیقات قبلی، شش متن که از نظر محقق دارای بیشترین متغیرهای مربوط به ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های دانش‌بنیان بوده‌اند مورد بررسی نهایی قرار گرفته و متغیرهای مربوطه به شرح جدول شماره ۵ استخراج گردیدند.

در ادامه الگوی حاصل از تجزیه و تحلیل متون مصاحبه و تحلیل پرسش‌نامه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود شرکت‌های دانش‌بنیان با استفاده از روش تحلیل مضمون در شکل شماره ۲ به شرح زیر قابل مشاهده است.

هر سؤال پرسش‌نامه در قالب طیف ۵ تایی لیکرت (کاملاً مخالفم- مخالفم- نظری ندارم- موافقم- کاملاً موافقم)، میزان مخالفت و یا موافقت پاسخ دهنده با متغیر مطرح شده در سؤال را مورد سنجش قرار داده است. در نهایت پاسخ‌های جمع‌آوری



شکل شماره ۲. الگوی اصلی ارزش گذاری دارایی های نامشهود در شرکت های دانش بنیان

جدول شماره ۵. متغیرهای استخراج شده از متون مورد بررسی

ردیف	متغیر	ردیف	متغیر	ردیف	متغیر	ردیف	متغیر
۱	تعداد ساعات آموزش به کارکنان	۱۲	میزان تجربه تخصصی	۲۳	نسبت سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات نسبت به کل سرمایه‌گذاری‌ها	۳۴	میزان رشد شاخص‌های کیفی محصول/خدمت
۲	متوسط زمان به‌روزرسانی دانش افراد	۱۳	میزان تحصیلات و نوع دانشگاه	۲۴	نسبت هزینه امنیت اطلاعات به کل هزینه‌ها	۳۵	میزان سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات
۳	میزان فروش به‌ازای هر کارمند	۱۴	نسبت هزینه سرانه آموزش کارکنان به کل بودجه شرکت	۲۵	تعداد فرایندهای یکپارچه شده	۳۶	بودجه سالانه تحقیق و توسعه
۴	درصد کارمندان حرفه‌ای	۱۵	درصد بودجه آموزشی کارکنان نسبت به کل بودجه شرکت	۲۶	هزینه سالانه حمایت از نشان تجاری نسبت به کل هزینه‌ها	۳۷	میزان تغییر در ارزش افزوده به‌ازای هر کارمند
۵	نسبت هزینه‌های آموزش به هزینه‌های اجرایی	۱۶	نسبت حقوق و مزایای دریافتی به میانگین حقوق و مزایای تخصص مربوطه	۲۷	ارزش کارشناسی حقوق و امتیازات تجاری	۳۸	مدت‌زمان انجام هر فرایند تولید/عرضه
۶	درصد جابه‌جایی کارکنان طی سال	۱۷	میزان ارزش افزوده به‌ازای هر کارمند	۲۸	نسبت تعداد رایانه به کارمند	۳۹	متوسط عمر اختراعات
۷	تعداد جلسات کارکنان با مدیرعامل	۱۸	درصد خروج کارکنان در سال اول استخدام	۲۹	تعداد گواهینامه (لیسانس)های تخصصی، قراردادهای حق اختراع و کپی‌رایت	۴۰	نسبت هزینه تحقیق و توسعه به فروش
۸	میزان حجم فروش‌های مجدد به مشتریان	۱۹	میزان سود تحصیل شده به‌ازای هر مشتری	۳۰	درصد مشتریان بزرگ/عمده	۴۱	نسبت سفارش‌های تکراری به کل سفارش‌ها
۹	نسبت مشتریان وفادار به کل مشتریان	۲۰	درآمد حاصل از مشتریان جدید	۳۱	درصد مشتریان به‌دست‌آمده در مقابل مشتریان ازدست‌رفته	۴۲	میزان افزایش رضایت مشتریان
۱۰	میزان روابط با عرضه‌کننده موارد اولیه	۲۱	میزان روابط با قانون‌گذاران، بانک‌ها، مؤسسات مالی و مؤسسات رتبه‌بندی اعتبار	۳۲	میزان رشد سالانه تعداد مشتریان	۴۳	میزان رشد حجم فروش‌های سالانه
۱۱	هزینه سرانه آموزش کارکنان نسبت به حقوق و مزایای دریافتی	۲۲	میزان کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مستندات تکنیکی شامل یادداشت‌های آزمایشگاهی، دستورالعمل‌های پایگاه داده‌ها	۳۳	میزان فعالیت کانال‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی	۴۴	میزان همکاری، شبکه‌های ارتباطی، روابط بین کارکنان و روابط با شرکا
۱۲	تعداد مشتریان جدید نسبت به سهم بازار جدید	۲۳	میانگین خرید مشتریان	۳۴	نرخ برگشت (مرجوعی) محصول	۴۵	میزان سهم بازار شرکت

جدول شماره ۶. آمار توصیفی پرسش‌نامه تحلیل مضمون تحقیق

شماره سؤال	حداقل	حداکثر	جمع	میانگین	چولگی	کشدگی
سؤال ۱	4.06	4.06	4.06	4.0556	-0.875	1.305
سؤال ۲	3.72	3.72	3.72	3.7222	-0.847	0.155
سؤال ۳	3.67	3.67	3.67	3.6667	0.074	-0.472
سؤال ۴	3.94	3.94	3.94	3.9444	-0.891	-0.161
سؤال ۵	4.44	4.44	4.44	4.4444	-1.031	-0.445
سؤال ۶	3.44	3.44	3.44	3.4444	-0.083	-1.578
سؤال ۷	3.89	3.89	3.89	3.8889	-1.153	1.742
سؤال ۸	3.67	3.67	3.67	3.6667	-0.869	0.358
سؤال ۹	4	4	4	4	.	.

شماره سؤال	حداقل	حداکثر	جمع	میانگین	چولگی	کشیدگی
سؤال ۱۰	3.67	3.67	3.67	3.6667	-1.913	2.444
سؤال ۱۱	2.67	2.67	2.67	2.6667	-0.117	-1.677
سؤال ۱۲	3.56	3.56	3.56	3.5556	-1.354	0.654
سؤال ۱۳	3.78	3.78	3.78	3.7778	-3.665	13.88
سؤال ۱۴	2.78	2.78	2.78	2.7778	0.021	-1.096
سؤال ۱۵	3.61	3.61	3.61	3.6111	-1.613	1.405
سؤال ۱۶	3.78	3.78	3.78	3.7778	-3.665	13.88
سؤال ۱۷	3.83	3.83	3.83	3.8333	-3.239	10.494
سؤال ۱۸	3.22	3.22	3.22	3.2222	-0.451	-1.284
سؤال ۱۹	2.61	2.61	2.61	2.6111	-0.063	-1.556
سؤال ۲۰	2.61	2.61	2.61	2.6111	0.09	-1.486
سؤال ۲۱	3.94	3.94	3.94	3.9444	-4.243	18
سؤال ۲۲	3.89	3.89	3.89	3.8889	-2.706	5.977
سؤال ۲۳	3.72	3.72	3.72	3.7222	-1.085	-0.942
سؤال ۲۴	4	4	4	4	.	.
سؤال ۲۵	3.78	3.78	3.78	3.7778	-2.567	6.363
سؤال ۲۶	3.67	3.67	3.67	3.6667	-1.683	2.219
سؤال ۲۷	3.72	3.72	3.72	3.7222	-2.072	3.849
سؤال ۲۸	3.94	3.94	3.94	3.9444	-4.243	18
سؤال ۲۹	3.67	3.67	3.67	3.6667	-1.683	2.219
سؤال ۳۰	4.17	4.17	4.17	4.1667	-1.768	4.041
سؤال ۳۱	4.33	4.33	4.33	4.3333	-1.299	1.084
سؤال ۳۲	2.78	2.78	2.78	2.7778	-0.267	-1.462
سؤال ۳۳	3.28	3.28	3.28	3.2778	-0.022	-0.255
سؤال ۳۴	3.67	3.67	3.67	3.6667	-2.836	8.823
سؤال ۳۵	3.72	3.72	3.72	3.7222	-2.072	3.849
سؤال ۳۶	3.83	3.83	3.83	3.8333	-3.239	10.494
سؤال ۳۷	3.28	3.28	3.28	3.2778	-1.083	0.131
سؤال ۳۸	3.89	3.89	3.89	3.8889	-2.706	5.977
سؤال ۳۹	3.89	3.89	3.89	3.8889	-0.307	-0.617
سؤال ۴۰	3.67	3.67	3.67	3.6667	-0.097	-0.837
سؤال ۴۱	3.83	3.83	3.83	3.8333	-3.239	10.494
سؤال ۴۲	2.78	2.78	2.78	2.7778	67۰-0.	۰6۳.۰
سؤال ۴۳	3.72	3.72	3.72	۳.۹۵۲۳	۶۲۳-0.	۳۱۹.۰
سؤال ۴۴	6۱3.	۱۶3.	۱۶3.	۲.۱۳۵۶	-1.354	0.654-
سؤال ۴۵	3.56	3.56	3.56	3.5556	-1.442	0.443

جمع آوری و استخراج، به کمک نسخه نوزدهم نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. پرسش‌نامه شامل ۳۰ سؤال بود که بر مبنای اجزا و تم‌های نهایی مدل کیفی تدوین شده پژوهش (شکل ۱) طراحی شده بودند. بدین معنا که هر یک از تم‌های فرعی و جزئی و مفاهیم بدست آمده از مصاحبه با صاحب‌نظران از طریق پرسش‌نامه مذکور مورد آزمون مقبولیت قرار گرفتند. از پرسش‌نامه‌های توزیع شده، ۸۷ نسخه تکمیل شد و به دست پژوهشگر رسید. ابتدا به قابلیت اعتماد (پایایی) ^۱ و اعتبار (روایی) ^۲ پرسش‌نامه اشاره می‌کنیم. قابلیت اعتماد عبارت است از ثبات اندازه‌ها در دفعات اندازه‌گیری (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲).

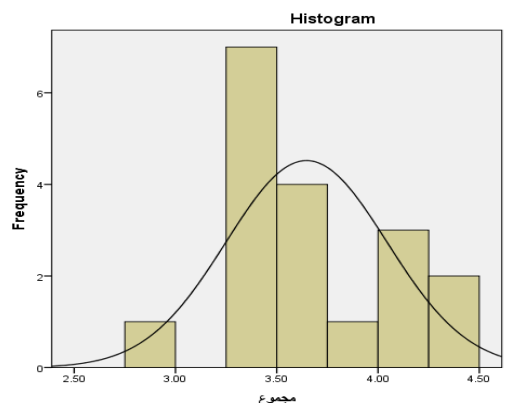
قابلیت اعتماد پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ ارزیابی شده است. مقدار آلفای کرونباخ کلی برای ۳۰ سؤال پرسش‌نامه ۰/۷۷۳ به دست آمد که نشان می‌دهد پرسش‌نامه از قابلیت اعتماد لازم برخوردار است. «روایی عبارت است از میزان انطباق مشاهدات و پرسش‌های تحقیق باهدف اصلی پژوهش» (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۲). در این پژوهش، سؤال آخر پرسش‌نامه (سؤال ۳۰) را می‌توان نوعی سنجش اعتبار برای پرسش‌نامه دانست. در این سؤال از پاسخ‌دهندگان درخواست شد که موافقت یا مخالفت خود را با گزاره «در این پرسش‌نامه جنبه‌های مختلف ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود مورد توجه قرار گرفته است» اعلام کنند. پاسخ‌دهندگان با این گزاره موافق بودند. برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش، آزمون کولموگروف - اسمیرنوف اجرا شده است:

H_0 : داده توزیع نرمالی دارند.

H_1 : داده توزیع نرمالی ندارند.

جدول ۹ نشان‌دهنده نتایج بدست آمده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف است. شایان ذکر است که نتیجه‌گیری‌های این جدول بر اساس سطح خطای ۵ درصد انجام شده است ($\alpha = 0/05$). همان‌طور که ملاحظه می‌شود بر اساس آنچه که در جدول شماره ۸ آمده است توزیع مرتبط با هیچ‌کدام از سؤال‌های پرسش‌نامه نرمال نیست، بنابراین برای همه سؤالات از آزمون ناپارامتریک دو جمله‌ای استفاده شده است.

جهت بررسی فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها پیشنهاد شده است که مقدار چولگی و کشیدگی مشاهده شده طبق جدول شماره ۷ برای متغیرهای پژوهش در بازه (۲، -۲) قرار دارد. یعنی از لحاظ کجی متغیرها نرمال بوده و توزیع آن متقارن است؛ بنابراین با توجه به نمودار هیستوگرام متغیرهای پژوهش در شکل شماره ۳، توزیع متغیرها از کشیدگی و چولگی نرمالی برخوردار است.



شکل شماره ۳. نمودار هیستوگرام توزیع پاسخ‌ها

جدول شماره ۷. آمار توصیفی مربوط به توزیع پاسخ‌های پرسش‌نامه

کشیدگی	چولگی	انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین	کمترین	تعداد	شرح
.034	-.031	.39717	3.6468	4.29	2.76	۳۰	مجموع

جهت انتخاب نهایی متغیرهای مناسب به منظور تعیین میزان اثر گذاری در فرایند ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود از میانگین پاسخ مصاحبه شونده‌ها به هر یک از سؤالات استفاده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌های پرسش‌نامه

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، برای سنجش موافقت متخصصان (صاحب‌نظران) با الگوی کمی-کیفی پیشنهاد شده این پژوهش، پرسش‌نامه‌ای تدوین شد و در اختیار آنان قرار گرفت. داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های تکمیل شده، پس از

² Validity

¹ Reliability

جدول شماره ۸. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

شماره سؤال	تعداد پاسخ	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	Sig.	نتیجه‌گیری
سؤال ۱	۸۷	۴/۶۷	۰/۴۹	۴/۰۳۲	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۲	۸۷	۴/۳۷	۰/۷۹	۲/۵۴۷	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۳	۸۷	۴/۳۴	۰/۷۷	۲/۵۰۸	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۴	۸۷	۴/۰۲	۰/۹۵	۲/۷۰۷	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۵	۸۷	۴/۴۰	۰/۷۶	۲/۸۶۹	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۶	۸۷	۳/۷۹	۰/۹۴	۲/۸۸۹	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۷	۸۷	۳/۴۹	۱/۰۳	۲/۶۵۲	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۸	۸۷	۳/۴۰	۱/۰۳	۲/۸۷۰	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۹	۸۷	۳/۹۶	۰/۸۵	۳/۳۹۳	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۱۰	۸۷	۴/۰۶	۰/۷۲	۲/۸۲۵	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۱۱	۸۷	۳/۶۰	۰/۸۳	۲/۵۸۸	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۱۲	۸۷	۳/۷۱	۱/۰۱	۳/۰۶۱	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۱۳	۸۷	۳/۶۰	۱/۰۱	۳/۲۰۴	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۱۴	۸۷	۳/۱۰	۰/۹۶	۲/۳۷۸	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۱۵	۸۷	۳/۸۷	۰/۷۳	۳/۶۷۶	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۱۶	۸۷	۳/۶۵	۰/۹۴	۲/۴۶۹	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۱۷	۸۷	۴/۱۸	۰/۷۳	۲/۷۹۲	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۱۸	۸۷	۳/۸۳	۰/۶۲	۳/۳۳۵	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۱۹	۸۷	۳/۸۰	۱/۰۰	۲/۸۸۲	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۲۰	۸۷	۳/۲۸	۱/۰۰	۲/۴۶۳	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۲۱	۸۷	۳/۴۹	۰/۹۵	۲/۸۸۳	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۲۲	۸۷	۳/۴۸	۰/۸۲	۲/۳۸۳	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۲۳	۸۷	۳/۶۴	۰/۷۲	۳/۶۵۹	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۲۴	۸۷	۴/۲۷	۰/۵۴	۳/۳۴۷	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۲۵	۸۷	۴/۲۹	۰/۴۸	۳/۸۲۵	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۲۶	۸۷	۳/۹۸	۰/۷۲	۳/۳۶۰	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۲۷	۸۷	۳/۷۶	۰/۷۹	۲/۵۷۳	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۲۸	۸۷	۳/۶۵	۰/۷۰	۲/۸۱۶	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۲۹	۸۷	۴/۳۴	۰/۸۰	۲/۹۶۶	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
سؤال ۳۰	۸۷	۳/۷۳	۰/۷۲	۲/۷۸۰	۰/۰۰۰	رد فرض صفر

نتیجه‌گیری و بحث

شرکت‌های دانش‌بنیان با تاکید بر سرمایه‌های نامشهود و ارائه محصولات و خدمات نوآورانه مبتنی بر فناوری‌های برتر، نقش با اهمیتی را در رشد و توسعه اقتصادی کشور ایفا می‌کنند. حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان به‌عنوان حاکمان علم و فناوری در کشور، مهم‌ترین راهکاری است که می‌تواند این هدف را تحقق بخشد. در این بین دارایی‌های نامشهود از مهمترین و کلیدی ترین سرمایه‌ها در شرکت‌های دانش‌بنیان می‌باشد که پرداختن به این مهم به‌خصوص بعد ارزش‌گذاری آن می‌تواند در نحوه رویارویی و مدیریت این سرمایه مهم نقشی اساسی ایفا کند. این تحقیق

به‌منظور طراحی الگویی جهت ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های دانش‌بنیان صورت پذیرفته است. با توجه به اینکه الگوی جامعی در خصوص نحوه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در کشور وجود نداشته و عمده تحقیقات گذشته نیز به صورت محدود و متمرکز بر برخی از ابعاد دارایی‌های نامشهود بوده‌اند، در این پژوهش سعی گردیده است با استفاده از اندیشه و تجارب صاحب‌نظران و متخصصان مربوطه و با استفاده از روش کیفی و انجام مصاحبه‌های عمیق به چارچوب قابل‌قبولی جهت این مهم دست پیدا کنیم. پس از انجام مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از آنها، مدل کیفی تحقیق (شکل شماره

۲) به دست آمد. در ذیل به بحث اجمالی در خصوص یافته‌های پژوهش با توجه به مدل بدست آمده پرداخته می‌شود.

در رابطه با نیاز به ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود و اهمیت و بسترهای موردنیاز آن در کشور، مصاحبه شونده‌گان این‌گونه اظهار داشتند که حرکت کشور به سمت اقتصاد دانش‌بنیان و ابلاغ سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی و همچنین حمایت دولت از شرکت‌ها و مجموعه‌های دانش‌بنیان، موجب گردیده است بستر رشد و توسعه این‌گونه شرکت‌ها فراهم گردد. از طرفی با توجه به روند افزایشی ایجاد این‌گونه شرکت‌ها و افزایش رقابت در این زمینه، ارائه اطلاعات مرتبط با دارایی‌ها و منابع این شرکت‌ها که عمدتاً ماهیت نامشهود و فکری دارند، بیش‌ازپیش احساس می‌گردد؛ بنابراین این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر این مهم از اهمیت بالایی برخوردار بوده و از نظر عملیاتی نیز تا حدودی بستر آن فراهم گردیده است. مصاحبه شونده‌گان در این میان معتقد بودند که بایستی از متغیرهای موجود در ادبیات حوزه دارایی‌های نامشهود بهره گرفته شود. همچنین توازن بین قابلیت اتکا و مربوط بودن بسیار با اهمیت برشمرده شد و همچنین اختصاص ضرایب اهمیت به برخی متغیرها با توجه به ماهیت فعالیت شرکت مورد تاکید قرار گرفت. به همین ترتیب در رابطه با چارچوب ارزش‌گذاری نیز عنوان شد که ارزش‌گذاری بایستی به صورت ترکیبی (کمی- کیفی) و با در نظر گرفتن توازن بین مربوط بودن و قابلیت اتکا صورت پذیرد. در واقع صاحب‌نظران اعتقادی به ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود به صورت کاملاً کیفی یا کاملاً کمی نداشتند. از منظر ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود نیز همان‌طور که پیشتر اشاره شد از بین مجموع متغیرهای کمی و کیفی احصاء شده از ادبیات تحقیق جهت اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود و پس از اخذ تأیید صاحب‌نظران، متغیرهای مشخص شده در جدول به صورت نهایی انتخاب گردید و می‌توان با توجه به قرارگیری در هر یک از طبقات دارایی‌های نامشهود، جهت ارزش‌گذاری بر اساس مفاهیم موجود در الگوی بدست آمده به کار گرفت. با عنایت به الگوی ارائه شده می‌توان اینگونه قلمداد کرد که هر یک از آیتم‌های شناسایی شده در طبقه بندی دارایی‌های ناشهود خود دارای زیر شاخه‌ها یا متغیرهای زیر مجموعه بسیاری بوده که با توجه به پرسشنامه‌های تحلیل شده و نظرات خبرگان مشارکت‌کننده در تحقیق، مجموع عوامل و متغیرهای یاد شده می‌تواند در ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های دانش‌بنیان موثر باشند. در رابطه با پیامدها و آثار ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود نیز اکثریت صاحب‌نظران معتقد بودند که کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، استفاده از اطلاعات گزارش شده در قالب مدل به‌عنوان داده‌های ورودی ارزش‌گذاری

شرکت دانش‌بنیان و استفاده به‌عنوان یک ابزار مدیریتی از مهم‌ترین آثار ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود است. در این میان البته پیامد استفاده به‌عنوان ابزار مدیریتی از بیشترین اجماع بین مصاحبه شونده‌گان برخوردار بود. بدین معنا که حداقل منفعت ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود، کمک به مدیریت شرکت جهت شناسایی، مدیریت و بهره‌برداری کارا تر از منابع فکری در اختیار خود است.

برای تحقیقات آتی موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) الگوی بدست آمده از تحقیق بر روی تعدادی از شرکت‌های غیر دانش‌بنیان مورد آزمون قرار گیرد و با نتایج بدست آمده از اجرای مدل در شرکت‌های دانش‌بنیان مقایسه گردد. نتایج این تحقیق می‌تواند تا حدود زیادی کارایی و تعمیم‌پذیری الگوی بدست آمده را در عمل و با توجه به اطلاعات دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها نشان دهد.

ب) پژوهش حاضر صرفاً بر اساس متغیرهای ارزش‌گذاری موجود در ادبیات تحقیق، سؤالات مصاحبه‌ها و نظرات مصاحبه شونده‌گان محدود تدوین و پیاده‌سازی شده است، لذا پیشنهاد می‌گردد تحقیق گسترده تری در حوزه متغیرهای کلی تر و در سطح گسترده تر که قابل گزارش برای تمامی شرکت‌ها (فاقد ماهیت دانش‌بنیان) است، صورت پذیرد.

فهرست منابع

- * آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات، مصوب ۳۹۱، هیئت وزیران.
- * خیاطیان محمدصادق، مهدی الیاسی و حبیب الله طباطبائی، (۱۳۹۵)، الگوی پایداری شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست علم و فناوری، شماره ۲، صص ۶۲-۴۹.
- * خیاطیان محمد صادق و همکاران، (۱۳۹۴)، تحلیل محتوای ویژگی‌های شرکت‌های دانش‌بنیان، مجله پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۴۷-۲۱.
- * رستگار عباسعلی، گلشاهی بهنام، (۱۳۹۸)، چالش‌های روابط فرد - سازمان در شرکت‌های دانش‌بنیان، فصلنامه علمی مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، سال بیست و هشتم، شماره ۹۲، تابستان ۹۸، صص ۱۳۳-۱۱۵.
- * طالب‌نیا قدرت الله، بداعی حمید، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه دارایی‌های نامشهود و عملکرد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. سال دوم، شماره سه. صص ۱۷-۳۶.

- voluntary IC disclosure. *Journal of Intellectual Capital* 12: 571-585.
- * Asiaei, K., and R. Jusoh. 2017. Using a robust performance measurement system to illuminate intellectual capital. *International Journal of Accounting Information Systems* 26: 1-19.
- * Bellora, L., Guenther, T.W., (2013). Drivers of innovation capital disclosure in intellectual capital statements: Evidence from Europe, *The British Accounting Review*, 15(2), 5-42.
- * Bontis, N. 2002. Intellectual capital disclosure in Canadian corporations. *Journal of Human Resource Costing & Accounting* 3(3): 9-20.
- * Brennan, N. 2001. Reporting intellectual capital in annual reports: evidence from Ireland. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 14(4): 423-36.
- * Braun, V. and Clarke, V. 2006. Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology* 3 (2): 77-101.
- * Bukh, P.N., Nielsen, C., Gormsen, P. and Mouritsen, J. 2005. Disclosure of information on intellectual capital in Danish IPO prospectuses. *Accounting, Auditing & Accountability Journal* 18(6): 713-32
- * Castilla-Polo, F., & Ruiz-Rodríguez, C. (2017). Content analysis within intangible assets disclosure: a structured literature review, *Journal of Intellectual Capital*, doi: 10.1108/JIC-11-2016-0123.
- * Chareonsuk Chaican, Chansan-nhavej Chuej. (2008). Intangible asset management framework for lonh term financial performance, *Industrial Management & data Systems*, 108 (6), 812-828.
- * Chen, C.W., Chiang, M.H., & Young, C.L. (2014). New Product Preannouncements, Advertising Investments, & Stock Returns. *Marketing Letters*, Vol. 25, No. 2: 207-218.
- * Ferreira, A., L., Branco, M. C, and Moreira, J. A. 2012. Factors influencing intellectual capital disclosure by Portuguese companies. *International Journal of Accounting and Financial Reporting* 2(2): 278-298.
- * Fincham, R., and Roslender, R. 2003. Intellectual capital accounting as management fashion: a review and critique. *European Accounting Review* 12: 78-95.
- * González-Loureiro, M., & Pita-Castelo, J. (2012). A model for assessing the contribution of innovative SMEs to economic growth: The intangible approach. *Economics Letters*, 116(3): 312-315.
- * Gogan, M., Artene, A., Sarca, I anca D. 2016. The Impact of Intellectual Capital on Organizational Performance, *Social and Behavioral Sciences* 221:194-202.
- * Guthrie, J. and Petty, R. 2000. Intellectual capital: Australian annual reporting practices. *Journal of Intellectual Capital* 1(3): 41-51.
- * Guthrie, J., Cuganesan, S. and Ward, L. (۲۰۱۰). "Intellectual capital reporting media in an Australian industry", *International Journal of Learning and Intellectual Capital*, Vol. 5 No. 1, pp. 48-62.
- * Huang Hao-Chen, Lai Mei-Chi & Lin Tzong-Huei. (2011). Aligning intangible assets to innovation in biopharmaceutical industry. *Expert Systems with Applications* 38: 3827-3834.
- * Marr, B., and J.-C. Spender. 2004. "Measuring Knowledge Assets: Implications of the Knowledge
- * عارف‌منش زهره، رحمانی علی، (۱۳۹۴)، ارائه مدلی جهت ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *مجله حسابداری مدیریت*، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۸۱-۱۱۲.
- * قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات، مصوب مجلس شورای اسلامی ایران.
- * قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان. (۱۳۸۹). مصوب مجلس شورای اسلامی.
- * مشایخ بی‌تا، بیرامی هانیه. و هانی بیرامی، (۱۳۹۵)، تعیین ارزش دارایی‌های نامشهود با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی، *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۲۳۸-۲۳۳.
- * مشایخی بی‌تا، بیرامی هانیه، (۱۳۹۷)، ارائه الگوی اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود، *پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال دهم، شماره سوم، پیاپی (۳۷)، صص ۴۵-۶۸.
- * موسوی سید عباس و همکاران، (۱۳۹۲)، تأثیر دارایی‌های نامشهود بر عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان. *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*. شماره ۷۰، صص ۴۷-۷۵.
- * میرزایی حبیب و همکاران، (۱۳۹۶)، طراحی مدل دارایی‌های نامشهود سازمانی با استفاده از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری، *چشم‌انداز مدیریت دولتی* شماره ۳۱، صص ۹۷-۱۲۵.
- * نمازی محمد، جامعی رضا، (۱۳۸۸)، بررسی نقش اطلاعات حسابداری منابع انسانی روی سازه‌های سیستم ارزیابی متوازن شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران". *پایان‌نامه دکتری حسابداری*.
- * نیکبخت محمدرضا، اسکندری قربان، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین دارایی‌های نامشهود، ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده و نقدشوندگی سهام، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۲۲، صص ۵۴۱-۵۶۰.
- * نیکبخت محمدرضا، کلهرنیا حمید، (۱۳۹۸)، تدوین مدل گزارشگری سرمایه فکری در شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی، *دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۳۰۷-۲۷۱.
- * هشار فاطمه و همکاران، (۱۳۹۸)، ارائه مدل بهبودیافته دسته‌بندی شرکت‌های دانش‌بنیان در ایران مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، پیاپی ۳۰، صص ۲۱۵-۲۳۳.
- * An, Y., Davey, H., & Eggleton, I. R. C. 2011. Towards a comprehensive theoretical framework for

- firm performance? An examination of technology-based service firms. *Personnel Review* 37(3): 121-134.
- * Uppenbergh, K. 2009. The Knowledge Economy in Europe: A review of the 2009 EIB conference in economics and Finance' Luxembourg. European Investment Bank.
 - * Williams, S.M. 2001. Are intellectual capital performance and disclosure practice related?. *Journal of Intellectual Capital* 2(3): 192-203.
 - * Yang, S. & Kang, Hsin-Hong. (2008). "Is synergy always good? Clarifying the effect of innovation capital and customer capital on firm performance in two contexts", *Technovation* 28, 667-678.
 - * Yi, A, Davey, H, E., & Wang, Z 2015. Intellectual capital disclosure and the information gap: Evidence from China. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting* 31(2): 179-187.
 - * Yu, A, L., L & Kourti, I. 2017. The role of Intellectual Capital Reporting (ICR) in organizational transformation: A discursive practice perspective. *Critical Perspectives on Accounting* 41(4): 1-15.
 - Economy for Performance Measurement. *Measuring Business Excellence* 1: 21-35.
 - * Masquefa, B., Gallhofer, S., & Haslam, J. (2016). Developing appreciation of micro-organizational processes of accounting change and indicating pathways to more Enabling Accounting in a micro-organizational domain of research and development, *Critical Perspectives on Accounting*,
 - * Miyagawa Tsutomu & Hisa Shoichi. (2013). Measurement of Intangible Investment by Industry and Economic Growth in Japan. *Policy Research Institute, Public Policy Review*, Vol.9, No2: 405-432.
 - * Molodchik A.M, Jardon, C., & Barajas, A. (2015). The Firm Size Effect On Performance Due To Intangible Resources, Working Papers, National Research University Higher School of Economics.
 - * Mustapha, M. and Abdelheq, L., The Role of Investment in Intellectual Capital in improving organizational performance considering knowledge management: The case study of wireless communication sector in Algeria, *Arab Economic and Business Journal*, Vol. 13, pp. 73-91.
 - * Pierre, J., & Audet, J. (2011). Intangible assets and performance. *Journal of Intellectual Capital*.
 - * Richard, H.u. (2014). Migrant knowledge workers: An empirical study of global Sydney as a knowledge city. *Expert Systems with Applications*, 41 (12): 5605-5613.
 - * Ramaswami, Sridhar N. & Srivastava, Rajendra K. 2009. Market-based capabilities and financial performance of firms: insights into marketing's contribution to firm value. *Academy of Marketing Science* 37(2): 97-116
 - * Russell .M. (2014). Capitalizationm of Intangible Assets and Firm Performance, *The University of Queensland*: 1-67.
 - * Steenkamp, N., Kashyap,. (2010). Importance and Contribution of Intangible Assets: SME Managers' Perceptions. *Journal of Intellectual Capital*, 11(3): 368 - 390.
 - * Striukova, L., Unerman, J. and Guthrie, J. 2008. Corporate reporting of ntellectual capital: evidence from UK companies. *British Accounting Review* 40(4): 297-313.
 - * Sebastien, D. & Diane-Gabrielle, T. (2010). What attracts and retains knowledge workers/students: The quality of place or career opportunities? The cases of Montreal and Ottawa, *Cities*, 27 (4): 225-233.
 - * Sydler R., Haefliger, S., & Pruksa R. (2013). Measuring intellectual capital with financial figures: can we predict firm profitability?. *European Management Journal*.
 - * Tsay, C.F.; Yu-Hsin, L., & Yenc, D.C. (2012). Determinants of Intangible Assets Value: The Data Mining Approach. *Knowledge-Based Systems*, Vol. 31: 67-77.
 - * Taliyang, S.M., Abdul Latif, R. & Mustafa, N.H. 2011. The Determinates of Intellectual Capital Disclosure among Malaysian Listed Companies. *International Journal of Management and Marketing Research* 4(3): 25-33.
 - * Tsai, K., Chou, C. & Chen, M. 2008. Does matching pay policy with innovation strategy really improve



Accounting Knowledge & Management Auditing

Vol. 12/ No. 48/ Winter 2024

Designing Intellectual Capital Reporting Model in Knowledge Based Companies

Kashanipour Mohammad

Associate Professor in Accounting, University of Tehran, Iran.

Abbas Zadeh Mohammad Reza

Associate Professor in Accounting, University of Ferdowsi Mashhad, Iran.

Anbarani Saleh

Ph.D Student in Accounting, University of Tehran, Iran.

(Corresponding Author)

Abstract

Given the movement of the country's economy towards knowledge-based economy and the growth and development of knowledge-based companies, the importance of the reporting of intellectual property of these companies has become more and more evident. The present research addresses the issue of providing an appropriate model for intellectual capital reporting in knowledge-based companies in 2018. In this research, by using an interview and based on the thematic analysis based on interviews with experts in the field of intellectual capital and knowledge-based companies, a model for reporting the effects of intellectual capital in knowledge based companies is proposed. The acceptability of the qualitative model was measured using a questionnaire. The questionnaire was acceptable in terms of both reliability and credibility. The results show that all the main components of the qualitative model have been approved. In this model, intellectual capital reporting was quantitatively qualitative (hybrid) and based on quantitative variables obtained from interviewing experts. Also, the Board of Directors' activity report was approved as the appropriate place for intellectual capital accounting reporting. Also, the implications of intellectual capital reporting, use as inputs for corporate valuation and financing purposes, reduction of information asymmetry, and functional management tools were confirmed.

Keywords: Intellectual capital, Financial reporting, Information asymmetry, Knowledge Based Companies, Thematic analysis.